

# محمد (ص) خاتم النبیین

## وخاتمهم

### محمد (ص)، خاتم النبیین

### و خاتم آنها

والآن نعود إلى كون محمد خاتم النبیین وخاتمهم، فهو صلوات ربي عليه آخر الأنبياء والمرسلين من الله سبحانه وتعالى، ورسالته وكتابه القرآن وشريعته باقية إلى يوم القيامة، فلا يوجد بعد الإسلام دين: (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) [133].

اکنون بازمی گردیم به موضوع حضرت محمد (ص) خاتم النبیین و خاتم آنها. حضرت که صلوات پروردگارم بر او باد، آخرین نبی و فرستاده‌ی خداوند سبحان و تعالی است. رسالت، شریعت و کتاب او قرآن تا روز قیامت باقی است و بعد از اسلام، دین دیگری وجود نخواهد داشت:

«و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت

از زیان دیدگان خواهد بود» [134].

ولكن بقي مقام النبوة مفتوحاً لبني آدم، فمن أخلص من المؤمنين لله سبحانه وتعالى في عبادته وعمله يمكن أن يصل إلى مقام النبوة، كما بقي

طریق وحی الله سبحانه وتعالی لبني آدم بـ (الرؤيا الصادقة) مفتوحاً  
وموجوداً وملموساً في الواقع المعاش.

اما راه رسیدن به مقام نبوت برای فرزندان آدم باز مانده است. هر کس از  
مؤمنین که عبادت و عملش را برای خدای سبحان و متعال خالص گرداند،  
می تواند به مقام نبوت برسد؛ همان طور که طریق وحی الهی به انسان از طریق  
«رؤیای صادق» مفتوح و موجود بوده و در زندگی روزمره نیز کاملاً ملموس است.

أما إرسال أنبياء ممن وصلوا إلى مقام النبوة من الله سبحانه وتعالى،  
سواء كانوا يحافظون على شريعة محمد الإسلام، أم إنهم يجددون ديناً  
جديداً، فهو غير موجود وهو الذي ختمه الله سبحانه وتعالى ببعثه  
محمدًا .

البته ارسال پیامبرانی که از طرف خدای سبحان و متعال به مقام نبوت نائل  
می شوند، چه پیامبرانی که حافظ شریعت حضرت محمد (ص) باشند و چه آنهایی  
که دین جدیدی می آورند، کاملاً منتفی است و این همان چیزی است که خداوند  
با پیامبری حضرت محمد (ص) آن را پایان داده است.

ولكن تجدد بعد بعث النبي محمد (الإنسان الكامل وخليفة الله حقاً،  
وظهور الله في فاران وصورة اللاهوت) أمر الإرسال من محمد ، فجميع  
الأمة هم مرسلون إلى هذه الأمة، ولكن من محمد (الله في الخلق)، قال  
تعالی:

(وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا  
يُظْلَمُونَ) [135].

ولی پس از بعثت رسول اکرم (ص) -انسان کامل، خلیفه واقعی خدا، ظهور  
خدا در فاران و بازتاب لاهوت- ارسال از سوی حضرت محمد (ص) انجام شد؛ لذا  
تمام ائمه (ع) فرستادگانی به جانب این امت هستند، با این تفاوت که از سوی

حضرت محمد (ص) (الله در خلق) گسیل یافته‌اند. خدای سبحان و متعال می‌فرماید:

«هر امتی را پیامبری است و چون پیامبرشان بیامد کارها میانشان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند» [136].

عن جابر عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن تفسير هذه الآية :  
(لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ).

از جابر نقل شده است که از امام جعفر صادق (ع) تفسیر این آیه را پرسید:  
«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

قال (ع): (تفسیرها بالباطن؛ إن لكل قرن من هذه الأمة رسولا من آل محمد يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، وهم الأولياء وهم الرسل، وأما قوله:

(فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ)،

حضرت فرمود: «تفسیر باطنی آیه این گونه است: در هر قرنی از این امت، فرستاده‌ای از آل محمد خروج می‌کند برای قرنی که برای آنها فرستاده شده است. آنها اولیا و رسولان می‌باشند و اما این قول خداوند که:

«فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ»

قال: معناه إن الرسل يقضون بالقسط وهم لا يظلمون كما قال الله (137).

به این معنا است که رسولان بر اساس عدل حکم می‌کنند و ستم نمی‌نمایند،

همان گونه که خداوند فرموده است) [138].

وقال تعالى: ( إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ) [139].

و خدای متعال فرموده است: «جز این نیست که تو بیم‌دهنده ای هستی و هر

قومی را هدایت کننده ای است» [140].

عَنِ الْفَضِيلِ، قَالَ، سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ): (وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، فَقَالَ (ع): (كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ) [141].

فضیل می‌گوید از امام صادق (ع) درباره‌ی «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» پرسیدم. حضرت

فرمود: «هر امام هدایت‌گر عصری است که در آن می‌باشند» [142].

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ): (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، فَقَالَ: (رَسُولُ اللَّهِ الْمُنذِرُ، وَلِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ، ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ) [143].

از امام باقر (ع) درباره‌ی این سخن خداوند که «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»

نقل شده است که فرمود: «مراد از مُنذِر، رسول الله (ص) است و در هر زمانی از

ما، یک نفر راهبر و هادی خواهد بود که مردم را به راه دین پیغمبر خدا هدایت

می‌کند. راهبران بعد از رسول اکرم (ص)، علی (ع) و تک تک اوصیای او یکی

پس از دیگری هستند» [144].

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، (قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ الْمُنذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ مِنْ هَادٍ الْيَوْمَ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا زَالَ مِنْكُمْ هَادٍ بَعْدَ هَادٍ حَتَّى دُفِعَتْ إِلَيْكَ،

فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ

الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ، وَلَكِنَّهُ حَيٌّ يَجْرِي فِي مَنْ بَقِيَ كَمَا جَرَى

فِي مَنْ مَضَى) [145].

ابوبصیر می گوید به امام صادق (ع) آیهی «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» را عرض کردم، فرمود: «بیم‌دهنده، رسول خدا (ص) و رهبر علی (ع) است. ای ابو محمد آیا امروز رهبری هست؟ عرض کردم آری فدایت کردم! همیشه از شما رهبری پس از رهبر دیگری بوده تا به شما رسیده است. فرمود: خدایت رحمت کند ای ابو محمد! اگر این گونه بود که وقتی آیه‌ای درباره‌ی مردی نازل می‌شود و آن مرد می‌مرد، آن آیه هم از بین می‌رفت (و مصداق دیگری نداشت) قرآن مرده بود؛ ولی قرآن همیشه زنده است و بر بازماندگان منطبق می‌شود چنان چه بر گذشتگان منطبق شده است» [146].

**عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، فَقَالَ: (رَسُولُ اللَّهِ الْمُنذِرُ وَعَلِيٌّ الْهَادِي؛ أَمَا وَاللَّهِ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَمَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ) [147].**

از امام باقر (ع) درباره‌ی گفته‌ی خدای تبارک و تعالی «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» نقل شده است که فرمود: «رسول خدا (ص) بیم‌دهنده و علی (ع) رهبر است. به خدا سوگند که مقام هدایت و رهبری از میان (خانواده‌ی) ما نرفته و تا اکنون (یا تا قیامت) [148] هم در میان ما هست» [149].

**فهم رسل هداة من محمد ، وإلى محمد ، وأيضاً هم جميعاً عليهم صلوات ربي لهم مقام النبوة.**

ائمه (ع)، رسولان هدایت‌گر از سوی حضرت محمد (ص) و به سوی او هستند و همگی آنها - که صلوات پروردگارم بر آنها باد - دارای مقام نبوت‌اند.

**بل إنَّ شرط الإرسال الذي لا يتبدل هو: (تمام العقل)، فلا بد من الوصول إلى مقام السماء السابعة الكلية (سماء العقل).**

شرط ارسال که هیچ تغییر و تحولی در آن راه ندارد «کامل بودن عقل» است و (برای فرستاده شدن) چاره‌ای جز وصول به مقام «آسمان هفتم کلی» [۱۵۰] (آسمان عقل) نیست.

وهذا الأمر الذي تجدد يقرأه - سواء كان يفقهه أم لا يفقهه - كل من يزور أول رسول من محمد وهو علي بن أبي طالب (ع)، بل لا يدخل إلى الحرم المطهر لأمير المؤمنين (ع) إلا بعد قراءته، وهو بمثابة زيارة للنبي محمد .

هر کس که اولین فرستاده‌ی حضرت محمد (ص)، علی بن ابی طالب (ع) را زیارت کند چه بفهمد و چه نفهمد، این موضوع را اقرار می‌نماید؛ حتی (زائران) پس از خواندن آن وارد حرم امیرالمؤمنین (ع) می‌شوند و حضرت را زیارت می‌کنند؛ زیارتی که به مانند زیارت حضرت رسول (ص) است.

في زيارة أمير المؤمنين علي (ع) عن الصادق (ع): (... وتقول: السلام من الله على محمد أمين الله على رسالته وعزائم أمره ومعدن الوحي والتنزيل، الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل، والمهيمن على ذلك كله، الشاهد على الخلق، السراج المنير، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته) [151].

در زیارت امیرالمؤمنین علی (ع) به نقل از امام صادق (ع) چنین آمده است: «... و می‌گویی: سلام از جانب خدا بر محمد، امین خدا بر رسالت او و بر اموری که واجب است اطاعت او در آن، و سلام الهی بر پیغمبری باد که معدن وحی و تنزیل است، خاتم بر آنچه گذشته و راهگشای آنچه خواهد آمد، و چیره بر همه‌ی آنها، شاهد بر خلق، چراغ تابان، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد» [152].

ووردت نفس العبارة في زيارة الحسين (ع):

و همین عبارت در زیارت امام حسین (ع) نیز وارد شده است:

عن أبي عبد الله (ع)، قال: (... فإذا استقبلت قبر الحسين (ع) فقل: السلام على رسول الله، أمين الله على رسله وعزائم أمره، الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل، والمهيمن على ذلك كله، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته) [153].

امام صادق (ع) می فرماید: «... هنگامی که رو به قبر امام حسین کردی بگو: سلام بر رسول خدا (ص)، امین خدا بر رسولانش و بر اموری که واجب است اطاعت او در آن، خاتم بر آنچه گذشته و راهگشای آنچه خواهد آمد، و چیره بر همه‌ی آنها، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد» [154].

وقال أمير المؤمنين علي (ع): (... وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، شهادة يؤدي الإسلام ذاکرها ويؤمن من العذاب يوم الحساب ذاکرها، وأشهد أن محمداً عبده الخاتم لما سبق من الرسالة وفاخرها، ورسوله الفاتح لما استقبل من الدعوة وناشرها ...) [155].

و امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «... و گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتای بی شریک وجود ندارد، شهادتی که گوینده‌ی آن را به اسلام می کشاند و یادکننده‌اش را از عذاب روز حساب، ایمن می دارد، و شهادت می دهم که محمد (ص) بنده‌ی خدا و پایان دهنده‌ی رسالت‌های پیش از خود و مایه‌ی فخر آن است، و فرستاده‌ی الهی است که بازکننده‌ی آینده برای دعوت و نشر دهنده‌ی آن است...» [156].

فمحمد ختم الإرسال من الله سبحانه وتعالى، وفتح الإرسال منه (الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل).



بنابراین حضرت محمد (ص)، ارسال از جانب خدای سبحان را خاتمه داد و ارسالی که از جانب خود وی می‌باشد را گشود (پایان دهنده‌ی آنچه گذشت و راهگشای آنچه خواهد آمد).

وبهذا تبين كونه (الخاتم) أي الوسط بين أمرين، وكذا كونه (الخاتم) أي الأخير. وتبين أيضاً أنه (خاتم النبيين) بمعنى أنه ما تُختم به رسالاتهم، أي إن رسالاتهم موقعة ومختومة باسمه ؛ وذلك لأن إرسالات الأنبياء السابقين وإن كان من الله سبحانه وتعالى، ولكن أيضاً محمد هو الحجاب بين الله سبحانه وبين الأنبياء، فالرسالات منه تترشح، ومن خلاله تنزل إلى الأنبياء. فمحمد هو صاحب رسالات الأنبياء السابقين، كونها تنزلت من خلاله، وهو الحجاب الأقرب إلى الله سبحانه، فالإرسال السابق من الله ومن خلال محمد (الحجاب الأقرب)؛ لكونه لم يُبعث، والإرسال اللاحق من محمد وبأمر الله كونه بُعث.

به این ترتیب «خاتم» به معنی قرار داشتن در وسط دو امر، و «خاتم» به معنای آخرین، روشن شد. علاوه بر این بیان شد که حضرت «خاتم النبيين» به معنی کسی که رسالات آن‌ها (رسولان) به او مُهر می‌شود یعنی رسالات آن‌ها به اسم حضرت رسول (ص) مهر و امضا خورده است، می‌باشد؛ زیرا ارسال پیامبران پیشین اگر چه از سوی خدای سبحان و تعالی بوده ولی از جانب حضرت محمد (ص) نیز بوده است چرا که حضرت، حجاب بین خداوند و انبیا می‌باشد و لذا رسالت‌ها از او سرچشمه می‌گیرد و از طریق او به سوی پیامبران نازل می‌شود. بنابراین محمد (ص) صاحب رسالت انبیای پیشین است به این صورت که (رسالت) از طریق او نازل شده است و او نزدیک‌ترین حجاب‌ها به خدای سبحان می‌باشد. تا زمانی که حضرت رسول (ص) به بعثت نرسیده بود، ارسال (انبیای) پیشین از سوی خدا و از طریق حضرت محمد (ص) (نزدیک‌ترین حجاب) بود و



پس از بعثت رسول اکرم نیز ارسال (امامان) «بعد از او» به وسیله‌ی حضرت و به امر خداوند صورت می‌گرفته است.

واسم من أسماء علي بن أبي طالب (ع) هو : (رسول رسول الله).  
یکی از اسامی علی بن ابیطالب (ع) «رسول رسول الله» است.

عن جميل بن صالح، عن ذريح، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يعوذ بعض ولده، ويقول: (عزمت عليك يا ریح ویا وجع، كائناً ما كنت، بالعزيمة التي عزم بها علي بن أبي طالب أمير المؤمنين (ع) رسول رسول الله على جن وادي الصبرة فأجابوا وأطاعوا لما أجبت وأطعت وخرجت عن ابني فلان ابن ابنتي فلانة، الساعة الساعة) [157].

جميل بن صالح از ذريح روایت می‌کند که گفت: شنیدم ابا عبدالله امام جعفر صادق (ع) یکی از فرزندانش را تعویذ<sup>[۱۵۸]</sup> می‌کرد و می‌فرمود: «ای درد و ای باد! هر چه باشید بر شما عزیمت کردم، با عزیمتی که با آن علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (ع) رسول رسول الله (ص) بر جن وادی صبره عزیمت نمود، پس اجابتش کردند و از او فرمان‌برداری نمودند، آن گاه اجابت کردی و اطاعت نمودی و از فرزندم فلان فرزند دخترم فلان خارج شدی، اکنون، اکنون» [۱۵۹].

\* \* \*

[132] - عنكبوت: 43

[133] - آل عمران: 85

[134] - آل عمران: 85

[135] - یونس: 47

[136] - يونس: 47

[137] - تفسير العياشي: ج 2 ص 123، تفسير نور الثقلين: ج 2 ص 305، بحار الأنوار: ج 24 ص 306.

[138] - تفسير عياشي: ج 2- ص 123؛ تفسير نور الثقلين: ج 2- ص 305؛ بحار الانوار: ج 24- ص 306

[139] - الرد: 7.

[140] - رعد: 7

[141] - الكافي: ج 1 ص 191، بصائر الدرجات: ص 50، غيبة النعماني: ص 109، بحار الأنوار: ج 23 ص 3.

[142] - كافي: ج 1- ص 191؛ بحار الانوار: ج 16- ص 358؛ تفسير صافي: ج 3- ص 59؛ تفسير نور الثقلين:

ج 2- ص 483

[143] - الكافي: ج 1 ص 191، بحار الأنوار: ج 16 ص 358، تفسير الصافي: ج 3 ص 59، تفسير نور الثقلين: ج 2

ص 483.

[144] - كافي: ج 1- ص 191؛ بحار الانوار: ج 16- ص 358؛ تفسير صافي: ج 3- ص 59؛ تفسير نور الثقلين:

ج 2- ص 483

[145] - الكافي: ج 1 ص 192، بحار الأنوار: ج 279، تفسير نور الثقلين: ج 2 ص 483، غاية المرام: ج 3 ص 7.

[146] - كافي: ج 1- ص 192؛ بحار الانوار: ج - ص 279؛ تفسير نور الثقلين: ج 2- ص 483؛ غاية المرام: ج

3- ص 7

[147] - الكافي: ج 1 ص 192، بصائر الدرجات: ص 50، غيبة النعماني: ص 110، بحار الأنوار: ج 23 ص 3.

[148] - در عبارت عربی حدیث جمله‌ی «... و ما زالت فينا الى الساعة» بوده که ترجمه‌ی «الساعة» می‌تواند

«اکنون» و یا «روز قیامت» باشد. (مترجم)

[149] - كافي: ج 1- ص 192؛ بصائر الدرجات: ص 50؛ غيبت نعماني: ص 110؛ بحار الانوار: ج 23- ص 3

[150] - السماء السابعة الكلية

[151] - من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 588، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 25، مصباح الكفعمي: ص 474، فرحة

الغري: ص 107، بحار الأنوار: ج 97 ص 148، المزار للمفيد: ص 77 و ص 104، باختلاف مع وجود نفس العبارة

محل الشاهد، وأعني: (الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل)، وجاء هذا التعبير باختلاف يسير عن أمير المؤمنين

وهو يعلم الناس الصلاة على النبي وآله، حيث قال: (الخاتم لما سبق والفتاح لما انغلق) نهج البلاغة بشرح محمد

عبده: ج 1 ص 120، وبحار الأنوار: ج 74 ص 297. كما جاءت هذه العبارة في المزار للمشهدي: ص 57، وجاءت

العبارة الأولى في نفس الكتاب: ص 264.

[152] - من لا يحضره الفقيه: ج 2- ص 588؛ تهذيب الأحكام: ج 6- ص 25؛ مصباح الكفعمي: ص 474؛

فرحة الغري: ص 107؛ بحار الانوار: ج 97- ص 148؛ المزار المفيد: ص 77 و ص 104، ... باختلاف دربارهی

وجود همان عبارت محل شاهد یعنی «الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل» (خاتم بر گذشتگان و راهگشای

آیندگان). همین تعبیر با اختلافی اندک از امیرالمؤمنین آمده است، هنگامی که حضرت، کیفیت صلوات بر پیامبر و

خاندانش (ع) را به مردم می‌آموخت: «الخاتم لما سبق و الفاتح لما انغلق» (پایان دهنده‌ی گذشتگان و گشاینده‌ی

- درب مشکلات)، نهج البلاغه با شرح محمد عبده: ج 1- ص 120؛ بحار الانوار: ج 74- ص 297؛ همین طور این عبارت در کتاب المزار المشهدی صفحه 57 و عبارت قبلی در همین کتاب در صفحه 264 آمده است.
- [153] - کامل الزیارات: ص 368، المزار للشهید الأول: ص 37.
- [154] - کامل الزیارات: ص 368؛ المزار الشهید الاول: ص 37
- [155] - ینابیع المودّة: ج 3 ص 206، إلیزام الناصب: ج 2 ص 157، نفحات الأزهار: ج 12 ص 80.
- [156] - ینابیع المودّة: ج 3- ص 206؛ إلیزام الناصب: ج 2- ص 157؛ نفحات الأزهار: ج 12- ص 80
- [157] - الکافی: ج 8 ص 85، طب الأئمة: ص 40، بحار الأنوار: ج 92 ص 8.
- [158] - تعویذ: پناه دادن، دعا خواندن برای دفع جن و شیاطین و چشم زخم و مانند آن (مترجم).
- [159] - کافی: ج 8- ص 85؛ طب الائمة: ص 40؛ بحار الانوار: ج 92- ص 8